

«دنیای اقتصاد» ابزارهای دستیابی به ثبات پایدار را بررسی می کند

جعبه ابزار مهار تورم

تورم مهم‌ترین چالش اقتصاد ایران است و با رسیدن نرخ تورم نقطه به نقطه به حدود ۹۰ درصد، پرسش اصلی این است که سیاستگذار پولی با چه ابزارهایی می‌تواند از شدت افزایش قیمت‌ها بکاهد. از اصلاح نرخ سپرده قانونی، کنترل رشد تو از نامه بانک‌ها و مهار اضافه‌برداشت بانک‌ها گفته تا مدیریت نرخ بهره و

کنترل تورم، مهم‌ترین مأموریتی است که برای همه بانک‌های مرکزی جهان تعریف شده است. چرا که ثبات قیمت‌ها، پیش شرط رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری و حفظ قدرت خرید خانوارهاست. بانک مرکزی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و مطابق قانون، یکی از اصلی‌ترین وظایف آن مهار تورم و حفظ ارزش پول ملی است. اما پرسش اساسی اینجاست که آیا ابزارهای سیاست پولی توانسته‌اند به این هدف نزدیک شوند؟ نگاهی به آخرین امارا نشان می‌دهد که تورم همچنان یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصاد ایران است. بر اساس اعلام مرکز آمار ایران، نرخ تورم سالانه در خرداد ۱۴۰۵ به حدود ۶۲ درصد رسیده، در حالی که بانک مرکزی این شاخص را ۵۷٫۷ درصد برآورد کرده‌است. هرچند در ارقام اختلاف وجود دارد، اما پیام هر دو آمار یکسان بوده که اقتصاد ایران همچنان با یکی از بالاترین نرخ‌های تورم سال‌های اخیر مواجه است و این شرایط، ضرورت بازنگری در سیاست‌های پولی را بیش از گذشته نمایان می‌کند. از سوی دیگر نرخ تورم نقطه به نقطه نیز به نزدیک ۹۰ درصد رسیده‌است. در چنین شرایطی، بانک مرکزی بیش از هر زمان دیگری باید از ابزارهای در اختیار خود برای مهار رشد نقدینگی و کنترل انتظارات تورمی استفاده کند. اصلاح نرخ سپرده قانونی، کنترل رشد ترانزنامه بانک‌ها، مهار اضافه‌برداشت بانک‌ها از منابع بانک مرکزی و حرکت به سمت نرخ‌های سود واقعی، از مهم‌ترین ابزارهایی هستند که می‌توانند انضباط پولی را تقویت کرده و از فشارهای تورمی بکاهند.

در کنار سیاست‌های پولی، مدیریت بازار ارز نیز جایگاه ویژه‌ای در کنترل تورم دارد. نوسانات شدید نرخ ارز، علاوه بر افزایش مستقیم هزینه تولید و واردات، انتظارات تورمی را نیز تشدید می‌کند و زمینه را برای افزایش بیشتر قیمت‌ها فراهم می‌آورد. از این رو، ثبات نسبی در بازار ارز و کاهش نااطمینانی، می‌تواند مکمل سیاست‌های پولی بانک مرکزی در مسیر مهار تورم باشد. در نهایت، کنترل تورم تنها با اتخاذ یک سیاست با یک ابزار محقق نمی‌شود. موفقیت در این مسیر نیازمند مجموعه‌ای از اصلاحات هماهنگ در سیاست‌های پولی، بانکی و ارزی است. این اصلاحات اگر به‌موقع و با انضباط کافی اجرا شوند، می‌توانند اقتصاد را از چرخه تورم مزمن فاصله داده و زمینه را برای ثبات بیشتر فراهم کنند. در این میان پرسشی که مطرح می‌شود این است که کدام یکی از ابزارهای نام برده شده توان بیشتری برای مهار تورم دارد؟

تبع دلبه سیاست پولی در مهار تورم

یکی از مهم‌ترین ابزارهای مورد استفاده بانک‌های مرکزی برای مهار تورم، تغییر نرخ سپرده قانونی بانک‌هاست. با افزایش این نرخ، بانک‌ها موظف می‌شوند سهم بیشتری از منابع خود را نزد بانک مرکزی نگهداری کنند و در نتیجه، منابع قابل استفاده برای پرداخت تسهیلات کاهش می‌یابد. افت قدرت وام‌دهی بانک‌ها، روند خلق پول را کند می‌کند و از شتاب رشد نقدینگی می‌کاهد. این سیاست همچنین می‌تواند سرعت افزایش نقدینگی ناشی از سود

دنیای اقتصاد -محمدحسین حسینی: براساس داده‌های منتشرشده از سوی پژوهشکده امور مالیاتی، درآمد دولت از محل مالیات‌ها در بهار ۱۴۰۵، حدود ۴۰۲ هزار میلیارد ریال برآورده شده‌است. اگرچه این رقم از نظر اسمی و به دلیل تورم، افزایش یافته‌است، مقایسه آن با ارقام پیش‌بینی شده در قانون بودجه نشان دهنده کاهش مالیات‌های وصول شده نسبت به سال‌های قبل است. برپایان بهار تنها ۲۷٫۸ درصد از درآمدی که به طور متناوب برای این مقطع از سال انتظار می‌رفت محقق شده‌است. این رقم در بهار ۱۴۰۴ حدود ۵۸ درصد بوده و در بهار ۱۴۰۱ حدود ۷۴ درصد به ثبت رسانده‌است.

عملکرد مالیاتی دولت یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سلامت مالی و اقتصادی کشور است، چرا که مالیات پایدارترین منبع درآمد دولت محسوب می‌شود. اگر دولت نتواند درآمد مالیاتی پیش‌بینی شده را محقق کند، آثار آن فقط به بودجه محدود نمی‌شود؛ بلکه می‌تواند بر تورم، به‌هیچ‌دولت، رشد اقتصادی و حتی اعتبار سیاستگذاری اثر بگذارد. بودجه هر سال، بر اساس برآوردی از درآمدها و هزینه‌ها تنظیم می‌شود. در صورت ثابت‌بودن سایر منابع و هزینه‌ها، اگر فرض شده باشد که دولت مثلاً ۱۰۰۰ همت مالیات وصول می‌کند اما فقط ۷۰۰ همت محقق شود، دولت با کسری بودجه ۳۰۰ همت مواجه خواهد شد، مگر اینکه هزینه‌ها را کاهش دهد یا منابع دیگری پیدا کند. در صورت بروز کسری بودجه، دولت می‌تواند با استقرار، فروش دارایی‌ها یا تأمین کسری از طریق خلق پول نیازهای مالی خود را برطرف کند. راه سوم در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، می‌تواند به افزایش نقدینگی و تورم منجر شود. همچنین عملکرد مالیاتی نا حادی با زاناب‌دهنده میزان بار مالیاتی، شناسایی درست پایه مالیاتی و رعایت یا عدم رعایت عدالت در وصول مالیات از سوی سازمان امور مالیاتی است. بنابراین، تحقق درآمد مالیاتی فقط به‌معنای گرفتن پول بیشتر نیست بلکه نشانه‌ای از کیفیت حکمرانی اقتصادی است. در کشورهایی مانند ایران که سال‌ها به دارندخت وابسته بوده‌اند، افزایش سهم مالیات اهمیت ویژه‌ای دارد. در حال حاضر، درآمد، نفتی کشور به قیمت‌های جهانی، تحریم‌ها و صادرات وابسته است. در مقابل اگر اقتصاد پویا باشد، مالیات درآمدی نسبتاً پایدار ایجاد می‌کند.

افت درآمد‌های مالیاتی دولت

داده‌های منتشرشده از سوی پژوهشکده امور مالیاتی، نشان می‌دهد



ثبات بخشی به بازار ارز، هر یک به‌عنوان راهکاری برای مهار تورم مطرح می‌شوند. با این حال، کارشناسان درباره میزان اثربخشی این ابزارها اتفاق نظر ندارند. برخی بر نقش نرخ بهره تأکید می‌کنند و برخی دیگر، ریشه اصلی تورم را در تحریم‌ها، محدودیت‌های ارزی و روابط خارجی جست‌وجو می‌کنند.

مهار تورم؛ اولویت اصلی بانک مرکزی



نداده‌است.

او درخصوص اقدامات بانک مرکزی برای مهار تورم، تأکید کرد: کشور، ارتقای انضباط مالی، جلوگیری از خلق نقدینگی بی‌ضابطه و درمان ناآرامی شبکه بانکی را اولویت‌های بنیادی سیاست پولی جدید عنوان کرد. عبدالناصر همتی با کالبدشکافی وضعیت اقتصادی جاری و پیچیدگی‌های ناشی از تحریم‌های ظالمانه و شرایط خاص ناشی از جنگ رمضان اظهار کرد: با وجود مضاعف شدن فشارهای بین‌المللی و محدودیت‌های ناخواسته مالی، مدیریت بازار ارز و زنجیره تأمین به گونه‌ای پیش رقت که خلل یا کمبودی در واردات و عرضه کالاها ی اساسی، دارو و ملزومات پزشکی کشور رخ

سپرده‌های مدت‌دار را کاهش دهد، زیرا بخشی از منابع بانکی کمتر در چرخه اعطای اعتبار و ایجاد سپرده‌های جدید قرار می‌گیرد، از آنجا که افزایش سریع نقدینگی یکی از عوامل اصلی تشدید تورم به شمار می‌رود، کاهش رشد آن می‌تواند به تعدیل فشارهای تورمی در اقتصاد کمک کند.

در مقابل، کاهش نرخ سپرده قانونی به آزاد شدن بخشی از منابع بانک‌ها منجر می‌شود و امکان پرداخت تسهیلات بیشتر را فراهم می‌کند. این اقدام با افزایش قدرت خلق اعتبار، به رشد نقدینگی و تحریک تقاضا می‌انجامد و در شرایطی که ظرفیت تولید متناسب با آن افزایش ییابد، می‌تواند زمینه تشدید تورم را فراهم کند، با این حال، اثرگذاری این ابزار تنها به میزان منابع

مرکزی از رخ سپرده قانونی به‌عنوان یکی از ابزارهای انقباضی با انبساطی سیاست پولی برای مدیریت به حجم پول، کنترل سرعت گردش نقدینگی و مهار فشارهای تورمی استفاده می‌کنند.

کنترل ترانزنامه بانک‌ها

ترانزنامه بانک‌هایی که از کانال‌های مهم انتقال سیاست پولی به اقتصاد است، ساختار دارایی‌ها و بدهی‌های بانک‌ها تعیین می‌کند که شبکه بانکی تا چه اندازه توان خلق اعتبار و افزایش نقدینگی دارد. زمانی که رشد دارایی‌های بانک‌ها، به‌ویژه تسهیلات، بدون پشتوانه کافی و متناسب با ظرفیت اقتصاد افزایش یابد، حجم پول در گردش رشد می‌کند و می‌تواند فشارهای تورمی ایجاد کند. از سوی دیگر، ناترازی ترانزنامه بانک‌ها و ضعف کیفیت دارایی‌ها، وابستگی بانک‌ها به منابع بانک مرکزی را افزایش می‌دهد. این وابستگی از طریق رشد پایه پولی، مسیر افزایش نقدینگی و تشدید تورم را هموار می‌کند. در مقابل، اصلاح ترانزنامه بانک‌ها از طریق افزایش سرمایه، کاهش مطالبات غیرجاری و مدیریت دارایی‌های کم‌کیفیت، می‌تواند به کاهش فشارهای پولی و کنترل پایدارتر تورم کمک کند. همچنین وضعیت ترانزنامه بانک‌ها بر ترکیب نقدینگی اثر می‌گذارد. افزایش نااطمینانی می‌تواند بخشی از سپرده‌های مدت‌دار را به پول تبدیل کند و با افزایش سهم منابع نقدشونده در اقتصاد، سرعت گردش پول و فشار بر قیمت‌ها را بالا ببرد. به همین دلیل، کنترل ترانزنامه بانک‌هایی از پیش شرط‌های مهم برای مهار تورم به شمار می‌رود.

مهار اضافه برداشت‌ها

اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی یکی از کانال‌هایی است که می‌تواند فشارهای تورمی را تقویت کند. زمانی که بانک‌ها برای پوشش ناترازی منابع و مصارف خود به منابع بانک مرکزی متوسل می‌شوند، در واقع پول بر قدرت جدیدی وارد چرخه اقتصاد می‌شود. این افزایش پولی، در صورت تسد نامی، می‌تواند از طریق ضرب و فزاینده نقدینگی به رشد بیشتر حجم پول و افزایش سطح قیمت‌ها منجر شود.

از این منظر، کنترل اضافه برداشت‌ها می‌توان بخشی از فرآیند اصلاح رابطه میان بانک‌ها و بانک مرکزی دانست. هرچه بانک‌ها وابستگی کمتری به منابع بانک مرکزی داشته باشند، انضباط بیشتری بر ترانزنامه آنها حاکم می‌شود و امکان مدیریت رشد نقدینگی نیز افزایش می‌یابد. در مقابل، تداوم اضافه برداشت‌ها می‌تواند به معنی انتقال مشکلات ترانزنامه‌ای بانک‌ها به سطح کلان اقتصاد باشد. در نهایت هزینه آن در قالب افزایش فشارهای تورمی ظاهر می‌شود. بنابر این، مهار اضافه برداشت‌ها تنها محدود کردن یک منبع تأمین مالی برای بانک‌ها نیست، بلکه یکی از ابزارهای کنترل موتورهای تولید نقدینگی و ایجاد ثبات پولی در اقتصاد به شمار می‌آید. البته نتایج نه‌انمانده که در یکسال اخیر برخی از بانک‌ها دعا کردند که در این بازه حتی یک روز از بانک مرکزی اضافه برداشت نداشته‌اند، اما آبرای قبول این ادعا برای بانک مرکزی باید آمارها را به طور شفاف ارائه دهد.

نگاه کارشناسان به ابزار مهار تورم

حمید تهرانیفر، صاحب‌نظر بانکی معتقد است اصلاح نرخ سپرده قانونی و سیاست کنترل مقداری ترانزنامه و همچنین مهار اضافه برداشت‌ها و... در بهر صورت نمی‌توانند آثار کوتاه مدت و مقطعی بر کنترل تورم داشته باشند و از قدرت لازم برای مهار پایدار تورم برخوردار نیستند. از نگاه او، ابزار قدرتمندی که سال‌ها در سیاستگذاری پولی مورد غفلت قرار گرفته، نرخ سود سپرده است. تهرانیفر استدلال می‌کند که در شرایطی که نرخ تورم حدود ۲۰ درصد است، تعیین نرخ سود سپرده ۲۲ درصدی می‌تواند تا حدودی منطقی باشد، اما زمانی که تورم به بیش از ۶۰ درصد می‌رسد، ثابت نگه داشتن همان نرخ سود ۲۲ درصدی به معنای منفی شدن شدید نرخ بهره واقعی است، در چنین وضعیتی،

غیرواقع‌بینانه باشد. نمی‌توان آن را پیشرفت ساختاری دانست. برای خارج کردن اثر رشد قیمت‌ها از مالیات، باید رقم مالیات‌های وصول شده را بر اساس شاخص قیمت مصرف‌کننده تعدیل کرد، با استناد به داده‌های پژوهشکده امور مالیاتی، از سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳، حجم حقیقی مالیات‌های وصولی روندی افزایشی را طی کرده‌است. این رقم در سال ۱۴۰۴ حدود ۷ درصد نسبت به سال قبل خود کاهش یافته‌است. همچنین در کل سال ۱۴۰۴، تنها حدود ۵۰ درصد از مالیات‌های برآورده‌شده در بودجه محقق شده‌اند. درحالی که در سال‌های قبل، معمولاً نزدیک به ۶۰ درصد این درآمدها محقق شده‌اند. به نظر می‌رسد که ناتمیینباتی ناشی از جنگ ۱۲ روزه، محدودیت‌های مکرر اینترنتی نیز ماه‌های مختلف و ناترازی‌های آب و انرژی در این تحولات تأثیر داشته‌اند.

علل آب رفتن جیب دولت

کاهش درآمدهای مالیاتی می‌تواند ریشه در چند عامل همزمان داشته باشد. در این میان، بیش از سایر عوامل، تحولات اقتصاد کلان از نقشی کلیدی برخوردارند. رکود یا کندی فعالیت‌های اقتصادی، کاهش تولید و فروش بنگاه‌ها را به دنبال دارد و پایه مالیات بر درآمد شرکت‌ها و مشاغل را کوچک می‌کند. همزمان، افت قدرت خرید خانوارها مصرف را کاهش می‌دهد و مالیات ارزش افزوده که سهم بزرگی از درآمدهای مالیاتی را تشکیل می‌دهد، به شدت آسیب می‌بیند. تورم بالا نیز اگرچه در کوتاه‌مدت ارقام اسمی را بالا می‌برد، اما با کاهش توان پرداخت بنگاه‌ها و خانوارها، وصول واقعی را محدود می‌کند. در این میان، صنایع کلیدی مانند پتروشیمی و فولاد که سهم قابل توجهی را از مالیات اشخاص حقوقی پرداخت می‌کنند تحت تأثیر جنگ، با کاهش سودآوری مواجه شده‌اند. همچنین عوامل ساختاری و سیاستی نیز در کاهش درآمدهای مالیاتی مؤثر هستند. معافیت‌ها و بخشودگی‌های گسترده بخش قابل توجهی از درآمدهای مالیاتی را از بین برده‌اند. قیمت گذاری دستوری ارز، انرژی و کالاهای اساسی نیز میزان مالیات‌های وصول شده را کاهش داده‌است. تغییرات قانونی نظیر افزایش سقف معافیت حقوقی یا کاهش نرخ برخی مالیات‌ها، و همچنین افزایش استرداد مالیات به بنگاه‌ها، می‌تواند خالص درآمد را کاهش دهد. در این شرایط، ضعف اجرائی و اختلالات بیرونی نیز باعث ضعف روند مالیات‌ستانی می‌شود. فرار مالیاتی و تأخیر در پرداخت در شرایط نااطمینانی افزایش می‌یابد. محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها، همچنین اینترنت‌های منطقه‌ای نیز حجم معاملات را پایین می‌آورد.

موانع افزایش درآمد‌ها از نظر رئیس سازمان امور مالیاتی
طبق اظهارات سبحانیان، رئیس سازمان امور مالیاتی در خردادماه، طی سال‌های اخیر نسبت درآمدهای مالیاتی به منابع عمومی دولت و همچنین نسبت مالیات به هزینه‌های جاری رشد محسوسی داشته و درآمد‌های مالیاتی طی سه‌چهار سال گذشته کمتر از نرخ رشد تورم افزایش یافته

سپرده‌گذاران با کاهش مداوم ارزش دارایی‌های خود مواجه می‌شوند، زیرا یازده سپرده تنها فاصله زیادی با نرخ تورم دارد. در نتیجه، انگیزه برای نگهداری سپرده در بانک کاهش یافته و افراد منابع خود را از شبکه بانکی خارج کرده و به بازارهای دارایی مانند ارز، طلا، مسکن و سایر بازارهای سفته‌بازانه منتقل می‌کنند، موضوعی که خود به تشدید تورم و بی‌ثباتی اقتصادی دامن می‌زند. از سوی دیگر، یکی از دلایل اصلی مقاومت سیاستگذاران در برابر افزایش نرخ سود، نگرانی از افزایش هزینه تأمین مالی تولیدکنندگان است. با این حال، تهرانیفر این نگرانی را چندان وارد نمی‌داند و معتقد است در شرایط تورمی، قیمت کالاها و خدمات نیز متناسب با تورم افزایش یافته و تولیدکنندگان بخشی از افزایش هزینه‌های مالی را از طریق افزایش قیمت محصولات خود جبران می‌کنند. بنابر این، پرهیز از اصلاح نرخ بهره به‌فایانه حمایت از تولید، در نهایت نه تنها به نفع تولید نیست، بلکه با تشدید تورم، فضای فعالیت اقتصادی را نیز بی‌ثبات‌تر می‌کند.

او همچنین به قانون برنامه پنجم توسعه اشاره می‌کند که بر اساس آن، نرخ سود سپرده‌ها باید متناسب با نرخ تورم سال قبل تعیین می‌شد، اما این حکم هیچ‌گاه به‌طور کامل اجرا نشد. اصلاح نرخ سود سپرده باید به‌صورت تدریجی، منظم و مرحله‌به‌مرحله انجام شود تا اقتصاد بتواند خود را با شرایط جدید تطبیق دهد. با این حال، در نهایت نرخ سود باید از نرخ تورم پیشی بگیرد تا نرخ بهره واقعی مثبت شود و انگیزه نگهداری سپرده در بانک‌ها افزایش یابد. به باور او، هر چند رسیدن به این هدف نیازمند زمان و اجرای تدریجی است، اما مهم‌ترین مساله آغاز این مسیر و استفاده از ابزار نرخ بهره به‌عنوان مؤثرترین ابزار سیاست پولی برای کنترل پایدار تورم است.

تورم در سایه تحریم

حمید زمان زاده، سرپرست امور اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه، در همایش «چشم‌انداز اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۵» که از سوی روزنامه دنیای اقتصاد برگزار شد، ریشه تحریم‌های ناپس‌امالی‌های اقتصادی را در تحریم‌ها، جنگ و محدودیت‌های ناشی از روابط خارجی دانست.

او اواخر سال ۱۴۰۳، نرخ تورم وارد مسیر صعودی شد و اصلاح نرخ ارز در زمستان ۱۴۰۴ و تحولات ناشی از جنگ، این روند را تشدید کرد؛ به گونه‌ای که بر اساس آمار مرکز آمار ایران، تورم نقطه‌به‌نقطه در خردادماه ۸۸ درصد و تورم سالانه به ۶۲ درصد رسیده‌است.

محدودیت‌های ارزی و کاهش واردات نیز از دیگر عوامل تشدیدکننده تورم هستند، زیرا کاهش ورود کالا، به‌ویژه کالاهای پرمصرف، عرضه را محدود و سطح قیمت‌ها را افزایش داده‌است. هرچند عواملی مانند کسری بودجه، رشد نقدینگی و تجارت خارجی بر تورم اثرگذارند، اما اکانل اصلی انتقال این فشارها رخ ارز است و دشمنی‌ها بین متغیرها به تحریم‌ها، جنگ و محاصره اقتصادی بازمی‌گردد. در سال‌های اخیر تنها بازارهای ارز و طلا توانسته‌اند ارزش دارایی‌ها را در برابر تورم حفظ کنند و بازدهی دلاری اغلب بازارها منفی بوده‌است. او آینده اقتصاد را نیز وابسته به وضعیت روابط خارجی دانست و گفت در صورت تداوم شرایط فعلی، اقتصاد همچنان با رشد منفی و تورم بالا روبرو خواهد بود، اما در صورت دستیابی به توافق، از سال آینده امکان بازگشت رشد اقتصادی و کاهش تورم به سطح کمتر از ۲۰ درصد وجود دارد. به اعتقاد او، هیچ سیاست‌مداری نمی‌تواند چنین کربن اثر خود را در مهار تورم و جنگ نیست و بهبود پایدار شاخص‌های اقتصادی، بیش از هر چیز، در گرو بهبود روابط خارجی است.

در مجموع، اگرچه اصلاح نرخ سپرده قانونی، کنترل ترانزنامه و مهار اضافه برداشت‌ها از ابزارهای مهم بانک مرکزی به شمار می‌روند، اما درباره میزان اثرگذاری هر یک اجماع وجود ندارد. اختلاف‌نظر میان کارشناسان نشان می‌دهد مهار تورم در ایران، علاوه بر سیاست‌های پولی، به‌متغیرهای کلان اقتصادی و حتی تحولات سیاسی و خارجی نیز وابسته است.

این دستاورد عمدتاً حاصل اصلاح نظام مالیاتی، توسعه سامانه‌های مالیات‌ستانی و هدف‌گذاری‌های برنامه‌هفتم توسعه بوده‌است که افزایش تدریجی سهم مالیات در تأمین بودجه دولت را دنبال می‌کند. با وجود این، ادامه این روند با موانع جدی روبرو است و اقتصاد ایران به «هسته سخت» مالیات‌ستانی نزدیک شده‌است؛ در مرحله‌ای که افزایش بیشتر درآمدهای مالیاتی بدون افزایش شدت‌آور خواهد بود. سبحانیان در همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی توضیح داد که اگرچه نرخ‌های اسمی مالیات در ایران در بسیاری از موارد نسبت به استانداردهای جهانی پایین‌تر است، اما مساله اصلی به افزایش نرخ‌ها، بلکه ناکارآمدی ساختار مالیاتی و گسترده‌گی معافیت‌ها، به عنوان نمونه، نرخ اسمی مالیات شرکت‌ها ۲۵ درصد است، اما به دلیل معافیت‌های گسترده، نرخ مؤثر مالیات برای بسیاری از شرکت‌های بزرگ تنها حدود ۸ تا ۷ درصد برآورد می‌شود. از این رو، اصلاح معافیت‌ها و افزایش کارایی نظام مالیاتی می‌تواند بیش از افزایش نرخ‌ها به رشد پایدار درآمدهای دولت کمک کند.

بخش مهمی از سخنان سبحانیه به‌اثر سیاست‌های قیمت گذاری دستوری بر کاهش ظرفیت مالیات‌ستانی دولت اختصاص داشت. او تأکید کرد که دولت‌ها برای مداخله در اقتصاد ابزارهای مختلفی در اختیار دارند و قیمت‌گذاری دستوری یکی از این ابزارهاست، اما هر تصمیم باید با در نظر گرفتن همه هزینه‌ها و منافع آن اتخاذ شود. از نظر کارشناسان مالیاتی، پایین نگه‌داشتن دستوری قیمت حامل‌های انرژی، برق، گاز، خودرو و بسیاری از کالاهای پایه، سودآوری بنگاه‌های بزرگ را از بین برده و در نتیجه پایه مالیاتی دولت را تضعیف کرده‌است. برای مثال، اگر قیمت سوخت بر مبنای قیمت‌های منطقه‌ای تعیین می‌شد، تنها از محل مالیات ارزش افزوده بزرزین و گازوئیل، صدها هزار میلیارد تومان درآمد مالیاتی بیشتری برای دولت قابل تحقق بود. همچنین قیمت گذاری دستوری موجب شد شرکت‌های نفت، پتروگاه و هتلیساری از صنایع بزرگ سود کافی برای پرداخت مالیات نداشته باشند و دولت عملاً بخش مهمی از درآمدهای بالقوه مالیاتی خود را از دست بدهد. همچنین به گفته رئیس سازمان امور مالیاتی، ناترازی انرژی، قطع برق و گاز صنایع، تعطیلی واحدهای تولیدی و حتی تعطیلی بانک‌ها، مستقیماً درآمدهای مالیاتی را کاهش می‌دهد. برآوردهای ارائه شده نشان می‌دهد که تنها افت تولید ناشی از قطعی برق و گاز صنایع بزرگی مانند فولاد، سیمان و پتروشیمی در سال گذشته حدود ۲۲ هزار میلیارد تومان از درآمد مالیاتی دولت کاسته است.

بورس کالا نیز ده‌ها هزار میلیارد تومان کاهش درآمد مالیاتی به همراه داشته‌است. به باور سبحانیان، زیان‌ده شدن بنگاه‌ها باعث افزایش استقراض آنها از شبکه بانکی شده و این بدهی‌ها به رشد نقدینگی، تشدید ناترازی مالی، افزایش وابستگی دولت به منابع بانک مرکزی و در نهایت تداوم تورم منجر شده‌است.